

مشاغل و مناصب مهم در دوره صفویه

۲۸ شهریور ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۲۰

در دوره صفویه خیابان، به شکل امروزی وجود نداشت و از اداره و شعبه و دایره و کمیته و کمیسیون و دفتر و دستک و وزارتخانه و مانند این‌ها خبری نبود. مردم با تشکیلاتی بسیار ساده و اندک راه زندگی را می‌پیمودند و مملکت و اجتماع، راحت و خوب- و فارغ یا عاری از دوندگی- اداره می‌شد.

فن، صنعت، پیشه، هنر و به طور کلی کسب و کار، طی قرون متمادی رکن اصلی و عمده زندگی اجتماع در ایران بوده است، یعنی که چرخه اجتماع بر محور کسب و کار می‌گشته است که در همه شئون جامعه مشهود بوده و به دلیل همین شیوع و عمومیت کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است و حال آن‌که شناخت درست و دقیق جامعه و زندگی فردی و اجتماعی ایران از دیرباز تا نیم سده پیش، تنها از راه شناخت شیوه کسب و کار امکان‌پذیر است.

اگر چه هیچ تحقیق یا تألیفی که به طور مستقیم به انواع مشاغل جامعه روزگار صفویان پرداخته باشد وجود ندارد، اما، به طور غیرمستقیم و از لابه‌لای منابع دیگر می‌توان تا حد زیادی به نوع و تقسیمات مشاغل آن دوره پی برد. یکی از مهم‌ترین این منابع «تحفه سامی» است که توسط سام میرزا فرزند شاه اسماعیل در حدود سال ۹۶۰ تألیف شده است.

مدار اجتماع ایرانی تا چند دهه پیش بر کشاورزی و پیشه‌وری و صنایع بومی برپا و استوار بود. معمولاً، از یک مسجد جامع (مرکزی)، چند راسته بازار، چند میدان برای منظوره‌های مختلف، تعدادی بازارچه، شمار قابل توجهی کوچه و کوی و برزن و دم و دستگاه حکومت تشکیل می‌شد، که رض یا شارستان پیرامون آن‌ها را می‌گرفت، و همه آن‌ها درون برج و بارو محصور بودند. خیابان، به شکل امروزی وجود نداشت و از اداره و شعبه و دایره و کمیته و کمیسیون و دفتر و دستک و وزارتخانه و مانند این‌ها خبری نبود. مردم با تشکیلاتی بسیار ساده و اندک راه زندگی را می‌پیمودند و مملکت و اجتماع، راحت و خوب- و فارغ یا عاری از دوندگی- اداره می‌شد.

ورود شیوه زندگی فرنگی در اواخر روزگار قاجار و همه دوره چیرگی خانواده پهلوی، نظام زندگی اجتماع را درهم ریخت، و کسب‌وکار به شیوه سنتی ارزش و اهمیت خود را از دست داد. تا آن هنگام کسب و کار رایج‌ترین امر مشهود در اجتماع بود و به همین علت توجه مردم و، حتی، محققان به آن جلب نمی‌شد و نیز به همین دلیل هرگز هیچ تحقیقی در این زمینه انجام نمی‌گرفت. بنا بر همین علت منابع مکتوب مربوط به کسب و کار در حد هیچ هستند. در عوض اطلاعات مربوط به کسب و کار به طور جنبی و گذرا در منابع دیگر یافت می‌شوند.

مشاغل عمومی و مردمی

یکی از مناصب مهمی که از جهتی باید در حوزه نظام قضایی و از طرف دیگر در حوزه امور اداری تعریف می‌شد، مقام دیوان بیگی بوده است که مهم‌ترین وظیفه او حضور در کنار صدر (به عنوان یک مقام روحانی) برای رسیدگی به دعاوی پیرامون احداث اربعه بوده است

آهنگری، ابریشم‌فروشی، باغبانی، برزگری، بزازی، بقالی، بنایی، بیاعی (خرید و فروش/دلالی)، بیلداری، پالان‌دوزی، پوستین‌دوزی، تاجدوزی، تاجری، تجارت، تذهیب، تصویر، تعلیم (اطفال)، تکمه‌بافی، تکمه‌بندی، تکه‌داری، تیرگیری، جولا‌هی، چماق‌گری، حکاکی، حلوافروشی، حمامی‌گری، خاتم‌بندی، خدمتکاری، خراطی، خرده‌فروشی، خوانندگی، خوشنویسی، خیاطه‌تابی، خیاطی، دستاربندی، دلالی، رمالی، زراعت، زرفشانی، زرکشی، زرگری، زهگیری، سراجی، سرتراشی، سقایی، سوزن‌گری، سیراب‌فروشی، شاعری، شبانی، صحافی، صرافی، صیادی، صیرفی، طب/طبابت، طراحی، عسل‌فروشی، عصاره‌ی، عطاری، علافی، علاقه‌بندی، عمل‌داری، قیق‌اندازی، قصابی، قصه‌خوانی، کارگری، کاسبی، کاغذفروشی، کبابی، کتابت، کتاب‌فروشی، کتاب‌نویسی، کحالی، کرباس‌فروشی، کسب، کفش‌دوزی، کلانتری، کله‌پزی، کلیچه‌پزی، کمانداری، کمانگری، کمربافی، کیمیاگری، گل‌کاری، لاجوردشویی/لاژوردشوری، مجلدی، مداحی، مشک‌فروشی، مطربی، معرکه‌گیری، مکتب‌داری، ملایی، موپینه‌دوزی، نقاری (در استخوان)، نقاشی، والابافی (کسب)، وکالت، یخنی‌پزی.

مشاغل حکومتی

یکی از مناصب مهمی که از جهتی باید در حوزه نظام قضایی و از طرف دیگر در حوزه امور اداری تعریف می‌شد، مقام دیوان بیگی بوده است که مهم‌ترین وظیفه او حضور در کنار صدر (به عنوان یک مقام روحانی) برای رسیدگی به دعاوی پیرامون احداث اربعه بوده است. وی علاوه بر حضور در این محکمه مجری حکم شرعی صادره از طرف صدر بود.

داروغه

داروغه که در زبان مغولی به معنی رئیس است، یک اصطلاح عمومی اداری است. از مفاد احسن التواریخ چنین مستفاد می‌گردد که داروغه به طور کلی به حکام اطلاق می‌شده است. اما بعدها لقب حاکم پایتخت گردید. از طرفی در ادارات بزرگ دولتی، منشیان طراز اول که بر دیگر منشیان سمت سرپرستی داشتند، داروغه خوانده می‌شدند، مثل داروغه فراش خانه و داروغه دفترخانه، داروغه دفترخانه زیر دست مستوفی الممالک قرار داشت.

کلانتر

مؤلف تذکره الملوک در ذیل «بیان تفصیل شغل عالی حضرت کلانتر» می‌نویسد: تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف با مشارالیه است. به این نحو که سکنه‌ی هر محله و هر صنف و هر قریه، هر که را امین و معتقد دانند، فی مابین خود تعیین و رضا نام چه به اسم او نوشته وواجبی در وجه او تعیین نموده و به مهر نقیب معتبر نموده، به حضور کلانتر آورده تعلیق و خلعت از مشارالیه به جهت او بازیافت می‌نمایند. بعد از آن متوجه رتق و فتق مهمات آن‌ها می‌گردد و در سه ماهه اول هر سال کلانتر و

نقیب، کسی را تعیین می‌نمایند که همه‌ی اصناف را جمع نموده نزد نقیب دارالسلطنه اصفهان می‌برند و بنیچه هر کس را معین می‌نمایند در زمان صفویان محله زردشتیان یزد نیز کلانتر مخصوصی برای خود داشته است..

نقیب

بزرگترین مقام روحانی ایران در دوره ی صفویه شغل ملاباشی بوده است. ملاباشی رئیس همه روحانیون ایران بود، تا زمان شاه سلطان حسین فاضل‌ترین ایشان به این مقام می‌رسید، و در مجلس شاه نزدیک به مسند شاهی در جای معین می‌نشست

مولف تذکره الملوک در تفصیل شغل نقیب می‌نویسد: خدمت مشارالیه تشخیص بنیچه ی اصناف است که هر سال در سه ماهه‌ی اول، کدخدایان هر صنف را حاضر نموده و به رضای یکدیگر بر وفق قانون و حق و حساب و معمول و دستور مملکت بنیچه هر یک را مشخص و طوماری نوشته، مهر نموده، به سر رشته کلانتر سپارد که متوجهات دیوانی هر صنف در آن سال از آن قرار تقسیم و توجیه شود. دیگر هر صنف که استاد تعیین می‌نماید باید نزد نقیب اعترافا به رضامندی به استادی آن شخص نموده و معتبر ساخته نزد کلانتر آورده، تعلیقه بازیافت (دریافت) نماید.

یگلربیگی

بیگلربیگیان حکامی بودند که از مرکز تعیین می‌شدند، اما گاه در موارد به خصوص این سمت موروثی بود.

نظام مذهبی

نظام مذهبی صفویان در دو بخش قابل طرح است. بخش اول شامل مناصبی است که عنوان دولتی محسوب می‌شوند. بخش دوم عناوینی هستند که منشاء آن موقعیت علماء در جامعه است و ماخوذ از نقش اجتماعی آنان بود. عمده‌ترین عناوین دولتی نظام مذهبی عبارت بود از: ملاباشی، صدارت، قضاوت، شیخ الاسلام، امامت جمعه و متولیان اماکن مقدسه.

ملاباشی

بزرگترین مقام روحانی ایران در دوره ی صفویه شغل ملاباشی بوده است. ملاباشی رئیس همه روحانیون ایران بود، تا زمان شاه سلطان حسین فاضل‌ترین ایشان به این مقام می‌رسید، و در مجلس شاه نزدیک به مسند شاهی در جای معین می‌نشست. کار او استدعای وظیفه برای طالبان علم و فقیران و رفع ظلم از مظلومان و شفاعت از گناهکاران و تحقیق در مسائل شرعی و تعلیم ادعیه بود و به کارهای دیگر مداخله نمی‌کرد.

مقام صدارت

صدر در لغت به معنای بالا و هرچیز برتر آمده است و این معنی بی‌ارتباط با استعمال آن در مقام لقب نیست. به سختی می‌توان حدس زد که این کلمه به عنوان لقب از چه زمانی استعمال گردیده است ولی قدر متیقن آن قرن سوم به بعد است. در ایام ممالیک

به صاحبان حرف و پیشه از ترکیبات صدر استفاده می‌گردید. مثل: صدرالحکماء، اما به عنوان یک مقام و منصب اداری و دولتی از زمان تیموریان و ترکمانان باب گردید.

بزرگترین مقام روحانی ایران در دوره ی صفویه شغل ملاباشی بوده است. ملاباشی رئیس همه روحانیون ایران بود، تا زمان شاه سلطان حسین فاضل‌ترین ایشان به این مقام می‌رسید، و در مجلس شاه نزدیک به مسند شاهی در جای معین می‌نشست. رسیدگی به اوضاع و احوال رفاهی اقشاری چون سادات، فقها، شیوخ، ایام و فقرا. به هر حال مقام صدارت مانند سایر امور اداری به دربار صفویان راه یافت و به شکل جدی نزد آنان مطرح گشت. چراکه دولت تازه تاسیس نومذهب بسیار بیشتر از سایر حکومتها به چنین مشاوران مذهبی نیاز داشتند. از طرفی صفویان عملاً در رقابت همه‌جانبه با عثمانیها قرار داشتند و با توجه به اینکه مقام مفتی اعظم در نظام عثمانی پیش‌بینی شده بود، بدیهی بود که مقام صدارت در صفویان نیز مورد توجه خاص قرار گیرد و علاوه بر وظایف سنتی مذکور به وظایف جدیدتر که مبتلا به صفویان بود بپردازند. مهمترین این وظایف ریاست بر مقامات قضایی و قضاوت بود.

شیخ الاسلام

عالیترین و مطلعترین مقام قضایی بوده است و ظاهر این مقام عالی، در طول دولت صفوی و نوساناتی بنا بر حسب شخصیت و اختصاص صاحب منصب داشته است. گاه مستقلاً و گاه تحت نظارت مقام دیگر روحانی، انجام وظیفه می‌کرده است. به طور مثال، شیخ الاسلام اصفهان (پایتخت) عهده دار دعاوی شرعی و امر به معروف و نهی از منکر بود. رسیدگی به اموال غایبین و یتیمان نیز از وظایف او بود. از جمله، شیخ الاسلام معروف، محمدباقر مجلسی شیخ الاسلام دربار شاه سلیمان است که در عهد شاه سلطان حسین، ارتقای منصب یافت. شیخ الاسلامان نیز اجازه ازدواج با زنان دربار را داشتند.

قاضی

از نظر وظایف قضایی دارای اختیارات محدودی بود و وظیفه وی تشخیص دعاوی شرعی مردم، نکاح، طلاق، وصایا، ضبط مال یتیم و غایب و غیره بود در برخی از دوره‌ها، حوزه وظایف قاضی و شیخ الاسلام به درستی مشخص نمی‌شود و وظایف آنان در یکدیگر ادغام می‌شد، بعضی از قضات مانند قاضی پایتخت، از توجه و قدرت خاصی برخوردار بودند. قاضی عسکر قاضی عسکر به احکام شرعی سربازان رسیدگی می‌کرد ولی در اواخر دوران صفویه شغل او منحصر به این شده بود که حواله حقوق افراد سپاه را مهر می‌کرد. حکام ولایات بی‌مهر او حقوق به سرباز نمی‌دادند. مشاغل و مناصب روحانی دیگری مانند: خلیفه الخلفاء، نقیب النقباء، وزیر مستوفی و متصدی موقوفات، مجتهد، قاضی القضاة، پیش‌نماز، متولی، مودن و حافظ نیز در عصر صفوی وجود داشته است که در رده‌های بعدی پس از مقامات عالی روحانی قرار می‌گیرند.

منابع: علوی، سید علی (۱۳۹۰)، تاریخ تحولات سیاسی و اداری در ایران (از آغاز حکومت امرا و سلاطین تا پایان عصر قاجار) (جلد دوم)، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ اول. / خبرآنلاین / گوناگون / دنیای اقتصاد

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/31592/صفویه-دوره-مهم-مناصب-مشاغلا>